



مرکز مدیریت حوزه علمیه اصفهان
معاونت پژوهش

عنوان:

فونت بی تیترا ۲۲: Commented [ar۲]:

اصول کلی و ابعاد آموزشی نهضت علمی امام صادق (علیه السلام)

حوزه علمیه اصفهان

فونت بی تیترا ۱۵: Commented [ar۳]:

نام و نام خانوادگی پژوهشگر:

فونت بی تیترا ۱۶: Commented [ar۴]:

محمد مهدی جندقیان

شماره پرونده مرکز مدیریت:

فونت بی تیترا ۱۶: Commented [ar۵]:

پایه پنجم

فونت بی تیترا ۱۴: Commented [ar۶]:

بهار ۱۴۰۰

فونت بی تیترا ۱۴: Commented [ar۷]:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

چکیده:

همواره و البته به طور اجمال درباره فعالیت‌های علمی امام صادق (علیه‌السلام) در قالب یک نهضت علمی فراگیر و مؤثر در جهان اسلام و خصوصاً بسط فرهنگ و مذهب تشیع شنیده‌ایم؛ حال آنکه ابعاد و ساختار و نظام آموزشی آن را مدون نیافته‌ایم. پس این مطالعه که با روش توصیفی-تاریخی است، به منظور شناسایی، طبقه‌بندی و توضیح فعالیت‌های متنوع و ابعاد مختلف این نهضت علمی سامان یافته است. این نهضت از اواخر قرن اول هجری و با زعامت و راهنمایی امام باقر (علیه‌السلام) آغاز و در نیمه نخست قرن دوم و همزمان با امامت حضرت صادق (علیه‌السلام) به اوج و شکوفایی رسید. در مدت نیم قرن، ساختار این نهضت به گونه‌ای پی‌ریزی شد تا به رغم حوادث خطرناک آینده، حیات و پویایی خود را حفظ کند. پایگاه اصلی فعالیت علمی امام و اصحاب شیعی ایشان، مدینه و کوفه بود. داوطلبان و دانش‌پژوهان آن از ملیت‌های مختلف در محدوده‌ی جهان اسلام می‌آمدند؛ در رشته‌های مختلف و تخصصی آموزش می‌دیدند؛ آن‌هم آموزشی ساختارمند؛ با اصول نگارش آشنا و مأمور به کتابت می‌شدند؛ و سپس به نقش علمی یا تبلیغی در جامعه گمارده می‌شدند. حضور چهار هزار صحابی در نهضت امام، درخشش بیش از ۳۵۰ اندیشمند و مؤلف امامی در این میان، نگارش و تدوین هزاران کتب متنوع و روشمند، از جمله ویژگی‌های حاکی از گستره و نفوذ نهضت علمی دارد. اخلاق‌مندی علمی، توجه به عقلانیت و اعتدال، آزاداندیشی در برخورد با رقیبان و تجویز و حمایت از اجتهاد اصحاب از دیگر امتیازات و ویژگی‌های چشمگیر این نهضت بود.

کلیدواژه‌ها:

تاریخ شیعه، امام صادق (علیه‌السلام)، قرن دوم، نهضت علمی، مدرسه کوفه، علوم اسلامی.

Commented [m۸]: چکیده واجد حدود ۲۵۰ کلمه و با جملات کوتاه و غیر تکراری! در اینجا ۲۴۴ کلمه است که قابل قبول می‌باشد.

Commented [m۹]: چکیده یک پارگراف است!! درباره پارگراف‌بندی بعداً توضیح داده خواهد شد!

Commented [m۱۰]: اشاره به پرسش یا موضوع و دغدغه تحقیق/مطالعه

Commented [m۱۱]: اشاره به روش تحقیق در این فعالیت

Commented [m۱۲]: از اینجا تا آخر چکیده اشاره به یافته‌ها و نتایج مطالعه یا تحقیق شده است

Commented [m۱۳]: به کوتاهی جملات و غیر تکراری بودن دقت کنید!!

Commented [m۱۴]: بهتر بود به جای این نوع عطف؛ جمله چنین نگاشته میشد:
در رشته‌های تخصصی آموزش ساختارمند میدیدند!

Commented [m۱۵]: و در اینجا جمله جدید شروع میشد بدین صورت: ایشان در طول تحصیل با اصول نگارش

Commented [m۱۶]: کلیدواژه و نه واژه کلیدی!!!

Commented [m۱۷]: تعداد کلیدواژه حداکثر ۷ مورد و میباید حتی المقدور تک کلمه ای باشد؛ با این حال با توجه به موضوع موارد اعلام شده قابل قبول است

مقدمه؛

Commented [m18]: مقدمه واجد عناصر زیر است: ۱. تعریف و بیان موضوع، ۲. محدوده تحقیق، ۳. پیشینه، ۴. ضرورت، ۵. اهداف، ۶. موانع، ۷. سوالات اصلی و فرعی، ۸. روش تحقیق

پژوهش در حوزه علوم انسانی و اسلامی در فضای فرهنگی و حرکت علمی امروز کشور و فرهنگ شیعی امری بایسته است. یکی از زمینه‌های پژوهش، مطالعه و تحقیق تاریخی با هدف شناسایی داشته‌ها و پیشینه‌ی تمدنی و تحلیل آن جهت بهینه‌سازی و بهره‌برداری مجدد از آن‌ها است. تهیه سند چشم‌انداز حوزه، آسیب‌شناسی کلی و بررسی بعضی معضلات پیش‌آمده در حوزه، برنامه‌ریزی و تدوین نظام‌نامه‌های اجرایی در ابعاد آموزشی، پژوهشی و گاه تبلیغی همگی از جمله فعالیت‌های مطالعاتی و گاه تحقیقاتی در این ایام بود. مقاله حاضر در محدوده تبیین و تشریح اصول و ابعاد آموزشی نهضت امام صادق (علیه‌السلام) به نگارش درآمده است.

Commented [ar19]: بیان موضوع

Commented [ar20]: محدوده تحقیق

پیشینه‌ی مطالعه در باب نهضت علمی امام در بین مستشرقان غربی و اندیشمندان جهان عرب پراچ‌تر از نگاه‌های فارسی بوده است. کتاب "مغز متفکر شیعه: جعفر بن محمد الصادق" (علیه‌السلام) که توسط ذبیح‌الله منصوروی از متن فرانسه به فارسی برگردانده شده از آن جمله است. این کتاب، به اجمال گویای مطالعات مهم در باب نهضت علمی امام است. در جهان عرب نیز اسد حیدر کتابی را با این عنوان گرد آورد: "الامام الصادق و المذاهب الاربعه" و در آن به شرح و بسط نهضت علمی امام و اصحاب امامیه پرداخت. اکنون نگاه‌های پیش‌رو تلاش می‌کند تا در وسعت یک مقاله، ابعاد مختلف آن نهضت علمی را ترسیم کند. وجه تمایز این نوشتار نسبت به آثار مشابه خود این است که به طور دقیق مؤلفه‌های نهضت علمی امام صادق را بررسی کرده است.

Commented [m21]: پارگراف دوم در مقدمه به عنصر سوم یعنی پیشینه تحقیق اختصاص یافته است:

یادمان باشد پیشینه به دو معنا به کار میرود و در اینجا معنای دوم یعنی تحقیقات اخیر و نزدیک به موضوع مورد اشاره قرار داده شده است

Commented [ar22]: پیشینه موضوع

با توجه به مشکلات نظام آموزشی حاکم بر جامعه اسلامی و نتیجه‌بخش نبودن بکارگیری سیستم‌های آموزشی مختلف در سالیان اخیر، به نظر می‌رسد بررسی راه و روش آموزش صحیح و هدفمند در سیره امام صادق و نهضت علمی ایشان از اهمیت و ضرورت ویژه‌ای برخوردار باشد.

Commented [ar23]: ضرورت موضوع

هدف از این نوشتار تبیین نهضت علمی امام صادق علیه‌السلام بوده است و به همین منظور به دنبال دستیابی به پاسخ مناسبی برای یک پرسش اصلی و چند پرسش فرعی می‌باشد. پرسش اصلی این است که نهضت علمی امام صادق چگونه بوده است. پرسش‌های فرعی عبارتند از این که نهضت به چه معناست و نهضت علمی به چه نهضتی گفته می‌شود. نگارنده در مسیر دستیابی به پاسخ پرسش‌های مذکور با مانع خاصی مواجه نبوده است. مقاله پیش‌رو، کاری مطالعاتی است. منابع مطالعه عموماً کتب حدیث، رجال و گاه تاریخی بوده است. بنابراین روش کار را باید توصیفی-تاریخی به حساب آورد.

Commented [ar24]: هدف تحقیق

Commented [ar25]: پرسش اصلی

Commented [ar26]: پرسش‌های فرعی

Commented [ar27]: موانع تحقیق

Commented [ar28]: روش تحقیق

۱- مفهوم نهضت علمی امام صادق (علیه السلام)

امام جعفر بن محمد الصادق (علیه السلام) ششمین پیشوای مذهب امامیه است که در سال ۸۳ هجری و در مدینه متولد و پس از عمری مجاهدت در ۶۵ سالگی و در سال ۱۴۸ هجری به دست مزدوران حکومت عباسی به شهادت رسیدند. امام از سال ۱۱۴ هجری با شهادت پدرش امام باقر (علیه السلام) (۵۷-۱۱۴) به قیام امامت رسیده و به مدت ۳۴ سال رسماً پیشوای مذهب تشیع و راهبر نهضت علمی آن بودند. وصف امام در میان اندیشمندان مسلمان و مستشرقان همواره با همین ویژگی‌های علمی در هم آمیخته است. حجم بالای روایات و مستندات مکتوب در فرهنگ امامیه، ورود جهان اسلام به حوزه‌ها و رشته‌های متنوع اندیشه‌ای و علمی، اخلاق‌مندی، آموزش و تربیت علمی شاگردان همگی از جمله ویژگی‌هایی است که با نام امام پیوند خورده است. (به عنوان نمونه، ر.ک: مفید، بی تا: ۱۷۳-۱۷۴؛ حیدر، ۱۳۹۰: ۶۷-۷۰؛ شهرستانی، ۱۳۶۴: ۱۴۷؛ جعفریان، ۱۳۷۸: ۳۲۸-۳۳۰؛ الویری، ۱۳۸۱: ۱۵۷؛ منصوری، ۱۳۸۸: ۶)

Commented [m۲۹]: سال ولادت و شهادت امام به قمری

Commented [m۲۰]: چرا بی تا؟؟

اکثر این آثار دارای سال و مشخصات نشر کامل است!

Commented [m۲۱]: در یک نقد دقیق و ریزبینانه باید گفت وجه

اشتراک این منابع در موضوع مورد ارجاع چندان وثیق و دقیق و همگون نیست!

مثلاً کتاب حیدر و جعفریان و الویری و منصوری دست دومی است؛ مفید و شهرستانی دست اولی؛ سیر تاریخی ندارد!! معیار نگاه‌های مختلف مثلاً شیعه و سنی و مستشرق نیز ندارد!

Commented [m۲۲]: منظور سال فوت است!! و بهتر است در

مقالاتی که جنبه بین المللی یا تردد بین شرق و غرب دارد، سال هجری با سال میلادی توأمان بیاید

در همین دوران [نیمه اول قرن دوم هجری] در جهان اسلام و در لابلای مجادلات سیاسی و اجتماعی جریان‌های اندیشه‌ای و فعالیت‌های علمی نضج می‌گیرند. پیدایش اندیشه کلامی معتزله، پیدایش مذاهب فقهی اهل تسنن، تمایز اهل حدیث و اهل کلام و تمایز امامیه از سایر فرق شیعی از آن جمله است. هرچند ممکن است پیدایش اندیشه‌های کلامی و اعتقادی را به قرن اول نیز بازگردانیم؛ ولی این تمایز و جریان‌یافتگی در قرن دوم مسجل می‌شود. ترجمه اولیه آثار ارسطو و بعضی آثار دیگر علمی و ادبی از فارسی به عربی توسط مترجمانی چون ابن مقفع (۱۴۲) و عبد الحمید (۱۳۲) در همین دوران صورت می‌پذیرد. نخستین آثار مکتوب علم و فلسفه که عموماً به جابربن حیان (۱۰۰-۱۹۴) و هشام بن حکم (۱۷۹) منسوب شده است، در همین دوره تدوین یافته است. این در حالی است که تربیت‌یافتگی ایشان در محفل و نهضت علمی امام کاملاً آشکار است. رواج مجالس علمی و مناظره در دربار خلفاء، شکل‌گیری کتابخانه‌ها، ایجاد مدرسه و مکان‌های مخصوص مجالس علمی، مهاجرت‌های استاد و دانشجو، و مواردی از این دست در طول این دوران آغاز و رواج می‌یابد. در این میان، امام نیز با کوشش فراوان جریان و نهضتی را ایجاد و پیش می‌برد که در میان سایر جریان‌های فکری، علمی و مذهبی آن دوران پرفروغ و پیشناز است. نهضتی فراگیر و با سازمان‌دهی بی‌نظیر که اسد حیدر از آن به مثابه‌ی یک دانشگاه تمام عیار یاد می‌کند:

اگر حوزه و مدرسه علمیه امام صادق (علیه السلام) را به یک "دانشگاه تمام عیار علمی" توصیف کنیم، مبالغه نکرده و مطلب گزافی نگفته‌ایم. دانشگاهی که ثروت عظیم علمی اسلام از آن خلق شد و دانشمندان فراوان مسلمان از آن فارغ التحصیل شدند. بهترین متفکران و فلاسفه و دانشمندان علوم از آن سرچشمه، فیض بردند. (حیدر، ۱۳۹۰: ۶۷)

Commented [m۲۳]: یک نمونه ارجاع مستقیم

ارجاع مستقیم معمولاً یا به این صورت و با تورفتگی قابل توجه نشان داده میشود و یا با داخل گیومه «» گذاشتن عبارت منقول!

Commented [m۲۴]: بهتر است در طول یک مقاله حتی المقدور

عبارات یک دست باشند و مثلاً تماماً فارسی نگاشته شوند! اصل عبارات به زبانهای دیگر مثلاً عربی یا انگلیسی در صورت ضرورت در پاورقی یا بی نوشت جای میگیرند.

همو می گوید:

مدرسه امام صادق (علیه السلام) از شهرت فراوانی برخوردار است. ایشان بزرگ جریان فکری آن عصر به حساب می آمدند؛ همچنین از ایشان به عنوان اولین مؤسس مدارس فلسفی در جهان اسلام یاد می شود. (حیدر، ۱۳۹۰: ۳۹)

این نهضت آنچنان پرحرارت و گسترده تدارک شد که علیرغم سرکوبی، تعقیب و تهدید شیعیان در سالها و قرون پسین، توانست بر محنت و فترت فائق آمده و راه خود را بازجوید و همچنان زنده و پویا پیش رود. (به عنوان نمونه ر.ک: نجاشی، ۱۴۲۷: ۳۹) نکته آخر اینکه: با آنکه تاریخ گذاری آغاز نهضت علمی صادقین (علیه السلام) قدری دشوار است؛ با این حال همگان متفق اند که این نهضت در دوره امام باقر (علیه السلام) آغاز و از همان دوره با معاونت امام صادق (علیه السلام) در کنار پدر همراه شده است. با این حساب چیزی حدود نیم قرن این نهضت با مشارکت یا تحت اشراف امام صادق (علیه السلام) فعالیت می کرد؛ و زمان خوبی را برای توسعه و استحکام خویش با عنایت امام فراهم می آورد.

۲- چگونگی نهضت علمی امام صادق (علیه السلام)

۲-۱- تمرکز یافتگی و اختصاص مکان:

در قدیم الایام یکی از ضرورت هایی که برای فعالیت های علمی وجود می داشت، وجود یک بنای اختصاصی در نقطه جغرافیایی مشخص بود. داوطلبان و دانشجویان با مراجعه به آنجا، زعیم و اساتید آن مدرسه را می یافتند و ضمن تعلم، پرسش ها و تحقیقات خویش را عرضه می کردند. معمولاً این مدارس با کتابخانه های مناسبی نیز تجهیز می یافت. قدیمی ترین این مدارس یا مراکز علمی در تمدن های کهن پارسی و یونانی قابل رصد است. مشهور است که افلاطون (۳۴۷ ق.م) "آکادمی" که باغی در حومه آتن بود را برای مدرسه خویش انتخاب و نام گذاری کرد. ارسطو (۳۳۲ ق.م) نیز "لوکیوم" را پایه گذاری کرد. در دورانی که نهضت علمی جهان اسلام و امام در حال شکل گیری است، وجود مدارس یونانی با محتوایی آمیخته از الاهیات مسیحی، یهودی، فلسفه یونانی و علم، در شمال و غرب جهان اسلام وجود داشته و فعالانه عمل می کردند. در شرق جهان اسلام و مشخصاً در سرزمین ایران نیز وجود مدارس که بر مدار علم [عموماً طب، ریاضی و نجوم] همچنان فعال باقی مانده بودند نیز به چشم می خورد. با این حال در عالم اسلامی هنوز مکانی اختصاصی برای امور علمی وجود نداشت. عمده مباحثات علمی در مساجد انجام می شد و با توجه به ممنوعیت های کتابت، کتابخانه ای نمی بود.

شواهد اندکی وجود دارد که نشان می دهد امام در مدینه مدرسه ای ساخته بودند که با منزل امام فاصله می داشت. یک گردشگر ایرانی سالها پیش بنای قدیمی و مخروطی را در مدینه شناسایی و عکس برداری کرده بود که به مدرس امام صادق (علیه السلام) شهرت می داشته و در جریان اقدامات و هابیون از بین رفته است. (نادری،

Commented [m20]: موارد و حجم ارجاع مستقیم دارای انضباط خاصی است!
حجم این ارجاعات در گستره یک مقاله بهتر است از ۱۰٪ کمتر باشد. و طبیعتاً هرچقدر کمتر بهتر!!

Commented [m21]: پایان مقدمه!!
مناسب است حجم یک مقدمه از ۲۰٪ مقاله تجاوز نکند**

Commented [m27]: شمارگذاری عناوین اصلی و فرعی و تغییر سایز و بلد عناوین برای تعیین مطالب اصلی و فرعی و فهم ترتب مباحث ضروری است

Commented [m28]: پاراگراف:
-پاراگراف معمولاً با تورفتگی اولین سطر شناخته میشود!
-هر پاراگراف گویای یک ادعای خرد است که در آن عبارت و پاراگراف توضیح و بسط یافته و یا مستدل میشود!
-اجزاء یک پاراگراف جملات هستند: در این بین جمله آغازین گویای ادعای پاراگراف است، سپس جملات پشتیبان آن ادعا را توضیح داده و سپس شواهد و قرائن اثبات ادعا بازگو میشوند. در پایان نیز جمله جمع بندی خواهد آمد که معمولاً با واژه ی "پس" یا "بنابراین" یا "حاصل مطلب" و مواردی از این دست آغاز شده و نتیجه پارگراف را نشان میدهد.
-حجم یک پاراگراف محدود به چند سطر نیست و گاه میتواند صفحاتی طول بکشد؛ ولی طبیعتاً هر چه مختصر [مثلاً در حد یک صفحه] سامان یابد بهتر و خوش خوانتر خواهد بود.

Commented [m29]: نمونه ای از ارجاع غیرمستقیم که در آن نگارنده سخن و برداشت خود از منبع را بیان میدارد!

۱۳۷۸:۲۰۴) تا آنجا که پیداست سنت ساخت و تخصیص مکانی به مدرسه و فعالیت‌های علمی در شیعه تا قرن‌ها بعد شواهد جدی نمی‌یابد. در عین حال بعضی از شاگردان و اصحاب امام در کوفه مساجدی را شخصاً بنا یا احیاء می‌کردند و همانجا ضمن اقامه نماز، مجلس درس خویش را نیز برپا می‌ساختند. *سماعه بن مهران (۱۴۵)* و *جعفر بن بشیر بعلی (۲۰۸)* از آن جمله‌اند. (نجاشی، ۱۴۲۷: ۱۱۹ و ۱۹۳) البته به طور کلی استفاده از مساجد خصوصاً مساجد جامع چون: مسجدالنبی مدینه و مسجد کوفه پُرشورتر از گذشته در این دوران ادامه می‌یابد. (نجاشی، ۱۴۲۷: ۱۰ و ۳۹) و مرکز و پایگاه علمی مسلمانان نیز محسوب می‌شود. به هر سو مجالس علمی بیشتر از آنکه محدود و مرسوم مکان خاص بماند، بر مدار شخص امام در هر جا برپا می‌شد. از خیمه‌های برافراشته در منا، ایوان مسجدالحرام و در گوشه‌ای از مسجدالنبی، گاه در مسیر مسافرت‌های امام به کوفه، حیره و شام و اکثر اوقات در منزل امام. وجه این امر شرایط خاص و فشارهای حکومت‌ها علیه امام بود که اجازه فعالیت علمی و رسمی منضبط را به امام و امامیه نمی‌داد. محمدبن معروف هلالی نقل می‌کند:

در حیره نزد امام رفتم تا از محضرشان استفاده کنم؛ لکن از کثرت مردمی که دور ایشان حلقه زده بودند، نتوانستم جلو بروم و این ماجرا تا روز چهارم ادامه داشت تا اینکه در آنروز، امام مرا دیدند و به نزد خود طلبیدند؛ پس از متفرق شدن مردم، من به همراه حضرت به قصد زیارت قبر امیرالمؤمنین رهسپار آن مرقد مطهر شدیم. (گرچی، ۱۳۸۵: ۱۱۹)

بنابراین نهضت علمی امام و امامیه در بستر جامعه به انحاء مختلف و نه الزاماً به صورت متمرکز و جایمند حرکت می‌کرد، هر چند محوریت شهرهای مدینه و کوفه در آن سال‌ها و سپس شهرهایی چون ری، مرو و قم در سال‌های بعد موضوعیت داشت.

۲-۲- پذیرش حداکثری فراگیران:

نکته اول و جالب‌توجه در نهضت علمی امام، پذیرش همگان با هر عقیده، ملیت و مذهب بود. به نظر می‌رسد همین که فرد دارای فهم و علاقمند به شرکت در حوزه درس امام بود، برای ورود به نهضت علمی امام واجد شرایط قلمداد می‌شد. البته این به آن معنا نبود که آن فرد صلاحیت هر درس، هر مجلس و هر اقدام علمی را پیدا می‌کرد؛ بلکه بدان معنا بود که نهضت امام برای پذیرش مبتدیان خویش، فرایند پیچیده و شرایط ویژه نمی‌داشت. بسیاری از اصحاب نامی و اندیشمندان امامیه در آن دوره کسانی بودند که مثلاً از جغرافیای عجمان به حجاز و مجلس امام راه یافته بودند. بعضی دیگر نیز سابقه‌ی مذهبی و خانوادگی خوشایند و صلاحیت‌مندی را نداشتند. یکی از نمونه‌های شهرت یافته، حضور فرد ملحدی از مصر در مجلس علمی امام بود. فرد مصری با شنیدن آوازه امام، مشتاقانه راهی مدینه و سپس مکه شد و بالاخره ایشان را در طواف حج یافت. پس از مناظره و گفتگو با امام در مقابل امام خضوع کرده و طلب تعلم از محضرشان را نمود. امام نیز او را به شاگردی هشام بن حکم در آورده و هشام نیز به او علوم دینی و دانش کلام و اعتقادات را آموزاند. (کلینی، بی‌تا: ۹۱/۱) سابقه پیشین خود هشام یا مثلاً

[m۴۰] Commented: شیوه ارجاع دهی درون متنی!!!

[m۴۱] Commented: در اینجا نمونه ای از تحلیل و نقد محتوایی نگارنده از استدلال و شواهد را میبینیم!

[m۴۲] Commented: نشان دادن اجزاء یک پاراگراف:

[m۴۳] Commented: جمله آغازین

[m۴۴] Commented: جملات پشتیبان در "توضیح و بسط" ادعای نخستین: سه جمله: ***

[m۴۵] Commented: جملات پشتیبان در بیان "شواهد اثبات" ادعا به نحو کلی!! دو جمله: ** از حیث اعتبارسنجی این نوع شواهد بیشتر جنبه تبلیغاتی و کلی گویی دارد و قطعاً نیاز به شواهد جزئی و موردی است!

[m۴۶] Commented: جملات پشتیبان در بیان شواهد اثبات ادعا به نحو جزئی!! شاهد اول!!

سیدحمیری و دیگران نیز نمونه‌ی دیگری از این پذیرش می‌تواند باشد. (عاملی، بی‌تا: ۳۲۵) این موارد که اگر به احصاء در آید قابل توجه است و تماماً حاکی از آن است که سیره‌ی عملی امام با گفتارهای ایشان در ترغیب و تشویق به دانش‌آموزی و فرهیختگی در تطابق و همسو است. (حرّانی، ۱۴۲۵: ۳۶۴-۳۵۶ و کلینی، بی‌تا: ۳۹/۱-۴۲) بنابراین امام تا آنجا که ممکن و میسر بود از گذشته‌ی ناشایست و البته از سوءرفتارها و خطاهای کوچک و جانبی اصحاب به جهت حفظ حرمت انسانی ایشان و ابقای ایشان در مسیر نهضت علمی چشم‌پوشی می‌کرد و همواره پذیرای مشتاقان علم از هر ملیت، مذهب و طبقه اجتماعی می‌بود.

Commented [m۴۷]: شاهد دوم و سوم!!

البته بهتر بود در اینجا نیز اشاره ای به سوابقه آن دو نفر میشد!

Commented [m۴۸]: باز جمله ای در بیان شواهد اثبات ادعا به نحو کلی!!

Commented [m۴۹]: جمله پایانی یا نتیجه گیری!! که با واژه ی بنابراین در اینجا آغاز شده است

نکته‌ی دوم در مورد پذیرش و کمیت فراگیران این نهضت علمی است. کسانی شاید در گستره‌ی آمار و کمیت شاگردان و اصحاب امام شبهه کنند و کثرت آمار را اغراق آمیز بدانند؛ ولی شواهد کافی وجود دارد که نشان می‌دهد گستره‌ی شاگردان حضرت فراوان‌تر از حدس و گزارش‌ها است. شیخ مفید (۴۱۳) آمار چهار هزار نفری را مطرح می‌سازد؛ (مفید، بی‌تا: ۱۷۳) ابن عقده در کتاب الرجال چهار هزار نفر از شاگردان امام که از فریقین هستند را نام می‌برد؛ (سبحانی، ۱۴۱۸: ۸۰) شیخ طوسی (۴۶۰) نیز در رجال خویش، کمی بیشتر از سه هزار و دویست نفر را به عنوان زوات و اصحاب بلاواسطه‌ی امام نام می‌برد. (طوسی، ۱۴۲۸: ۱۷) محمدصادق نشأه استاد الازهر حاضران در یک جلسه درس امام را بالغ بر دو هزار نفر شمرده است. (حیدر، ۱۳۹۰: ۶۲) گزارش حسن بن وشاء از اصحاب امام رضا (علیه‌السلام) از تدریس و نقل روایت نهصد نفر از مشایخ کوفه از امام صادق (علیه‌السلام) نیز مؤید دیگری از انبوهی جمعیت شاگردان امام است. (نجاشی، ۱۴۲۷: ۳۹) و بالاخره نجاشی نام ۳۵۰ نفر از اصحاب امام را در زمره‌ی مؤلفان و صاحب اثر می‌آورد. اینها بخشی از شواهدی است که از کمیت فراگیران و وسعت نهضت علمی امام حکایت دارد.

Commented [m۵۰]: جمله آغازین

Commented [m۵۱]: جملات توضیحی

Commented [m۵۲]: دلیل/شاهد اول

Commented [m۵۲]: دلیل/شاهد دوم

Commented [m۵۴]: دلیل/شاهد سوم

Commented [m۵۵]: دلیل/شاهد چهارم

Commented [m۵۶]: دلیل/شاهد پنجم

Commented [m۵۷]: دلیل/شاهد ششم
به عنوان تمرین دلایل را نقد محتوایی استنادی و کنید!!

Commented [m۵۸]: جمله پایانی و جمع بندی (اینبار بدون واژگان نتیجه گیری)

Commented [m۵۹]: جای خالی را شما نامگذاری و نقد کنید!

۲-۳- ساختار آموزشگاهی نهضت:

در این بخش ویژگی‌هایی را بر می‌شماریم که معمولاً در یک مدرسه یا نهاد آموزشگاهی مورد توجه مدیران و معلمان است. به عبارت دیگر اکنون که یک فرد به جمع شاگردان و پذیرفته‌شدگان نهضت وارد شد، باید چه مراحل و اموری را طی کند تا به مراتب عالی دست یابد؟ البته این بدان معنا نیست که همگان این مراحل را طی می‌کنند و البته بدان معنا هم نیست که این مراحل کاملاً پیوسته و منظم پیش می‌رفته است؛ بلکه بدان معنا است که این ویژگی‌ها در نهضت امام بر اساس یک برنامه‌ی هوشمندی صورت می‌گرفته است. شرکت در جلسات عمومی و بهرمندی از تعالیم عمومی امام امری بود که شاید چندان هم سخت نمی‌نمود و افراد می‌توانستند با شرکت در یکی از محافل عمومی که امام حاضر و سخنران بودند از امام بهره بجویند. در مرحله بعد اگر کسی طالب تعلیم ویژه می‌شد، ابتدا می‌باید نزد اصحاب ویژه و عالی‌رتبه‌ی نهضت، تعلّم تخصصی می‌یافت. داستان مرد مصری که پیشتر ذکر آن آمد همین‌گونه بود. وی که به قصد امام به حجاز آمد ولی امام وی را ابتداءً به شاگردی صحابی جوان خویش هشام توصیه و حواله دادند. تا همینجا سه مؤلفه در نظام آموزشگاهی نهضت امام به چشم می‌آید: (۱) رعایت تشریفات و

Commented [m۶۰]:

Commented [m۶۱]:

Commented [m۶۲]:

Commented [m۶۲]:

Commented [m۶۴]:

Commented [m۶۵]:

Commented [m۶۶]:

Commented [m۶۷]:

سلسله مراتب: در عین حالی که خود امام نیز حاضر و پاسخگو بودند. هدف از این اقدام، تنظیم نظام آموزشی و بهره‌برداری مناسب‌تر از وقت و ظرفیت خویش بود. (۲) شاگردپروری و تقویت جایگاه و نقش استادی اصحاب عالی‌رتبه: هدف از این مؤلفه نیز آن بود تا در غیاب زمانی و مکانی امام، هم اصحاب کارآموده‌تر باشند و هم مردم مأنوسانه‌تر به سراغ ایشان بروند. (۳) تخصص‌گرایی: هرچند برای تخصصی بودن رشته‌ها و دانش‌آموختگی در آن‌ها در نهضت علمی امام، قرائن فراوانی وجود دارد؛ ولی در همین ماجرا نیز گوشه‌ای از تخصص‌گرایی مشاهده می‌شود. امام اصحاب خویش را در رشته‌های مختلف علم (شیمی، نجوم و ...) اندیشه (فلسفه و کلام) تفسیر، فقه، ادبیات و تاریخ و مواردی دیگر و بنابر علاقه، فهم و توانمندی تقسیم و تربیت می‌کردند. (جعفریان، ۱۳۸۷: ۳۳۲ و منصور، ۱۳۸۸) مرتبه بعدی در این نظام آموزشی: تعلیم اختصاصی توسط خود امام بود. این امر را می‌توان درباره افرادی چون **مفضل بن عمرو، عنوان بصری، عبدالله بن جنید، مؤمن الطاق** و مواردی از این دست مشاهده کرد. (ر.ک: حرانی، ۱۴۲۵ و مجلسی، بی‌تا: ۳) کسانی که به طور خاص و خصوصی نزد امام رسیده و درسی تخصصی یافته بودند. اما عالی‌ترین مرتبه دانش‌آموختگی در نهضت امام به گونه‌ای بود که اصحاب علمی امام به طور اختصاصی مأموریتی می‌یافتند و فعالیت عالمانه و علمی خویش را در مرآ و منظر امام به انجام می‌رساندند. مدح امام باقر (علیه‌السلام) درباره افتاء ابان در مسجد مدینه، جلسه مناظره مرد شامی در خیمه امام صادق (علیه‌السلام) در منا و ارزیابی امام از فعالیت هر یک از اصحاب متکلم در آن جلسه، از جمله شواهد این تربیت اختصاصی است. (کافی، بی‌تا: ۱/۶۶ و ۲۴۰) البته کار بدین‌جا پایان نمی‌یافت و اصحاب به نوعی پس از دانش‌آموختگی همچنان پرسش‌ها و تحقیق‌های نویافته‌ی خویش را بر امام عرضه می‌کردند و امام نیز از نظریه‌پردازی‌های ایشان و رعایت حدود آن مراقبت می‌نمودند.

Commented [m18]:

Commented [m19]:

Commented [mV0]:

Commented [mV1]:

Commented [mV2]:

Commented [mV2]: به نظر تان این پاراگراف جمله پایانی دارد؟!

۲-۴- اخلاق‌مندی امام و نهضت علمی:

امام و نهضت علمی ایشان به اخلاق‌مندی شهره بود. رعایت آداب، احترامات و اخلاقیات برای هر فرد دینی و خصوصاً مبلغان و عالمان دین بایسته و زینت بخش است. در مورد ائمه اطهار (علیهم‌السلام) نیز مراعات و مزیّن بودن ایشان به اخلاق و آداب مشهور و زبانزد عام و خاص بود. اما آنچه که در اینجا مقصود است اخلاق‌مندی امام در نهضت علمی است.

Commented [mV4]: جمله آغازین

جملات پشتیبان

و یک شاهد کلی اما مستند و مهم!!

در تاریخ جهان، سابقه ندارد که ادب و علم، در هیچ مکتب مذهبی به اندازه فرهنگ مذهبی جعفر صادق (علیه‌السلام) اهمیت داشته باشد. آن قدر ادب و علم در آن فرهنگ مهم بود که محقق از خود می‌پرسید ادب مهم‌تر است یا مذهب؟ علم مهم‌تر است یا مذهب؟ (منصور، ۱۳۸۸: ۱۹۱)

Commented [mV6]: نکته مهم در شناخت دلایل و شواهد:

پیشتر گفته شد که هر ادعا میباید توسط شواهد و دلایلی پشتیبانی،

مستدل و اثبات شود! اکنون:

۱. اثبات ادعا در گرو نقد شواهد است و این یک بحث منطقی، اصولی و معرفت‌شناختی است.

۲. اگر دلیل/شاهد از جمله امور نقلی باشد میباید ارجاع داشته باشد؛ به عبارت دیگر ضرورت ارجاع دهی در پژوهش‌ها اولاً و به ذات مربوط به همین شواهد منقول است.

۳. اما اگر دلیل/شاهد از جمله امور عقلی یا تحلیل ذهنی و یا مشهورات و مواردی از این دست باشد، ضرورتاً نیازمند ارجاع نمیباشد.

از امام توصیه‌های فراوانی در این باب روایت شده است. (ر.ک: کلینی، بی‌تا: ۴۴/۱ و صدوق، ۱۳۸۴: ۵۲۰) اما فارغ از توصیه‌ها خود رفتار امام و تعالیم ویژه‌ی ایشان بسیار جالب توجه است. امام در جلسه‌ی تعلیم مناظره مؤمن الطاق و قیس ماصر را به سبب بی‌اخلاقی و مغالطه نهیب می‌زنند. (مفید، بی‌تا: ۱۹۲ و کلینی، بی‌تا: ۲۴۳/۱) لذا یکی از نکات مهم این اخلاق‌مندی "پرهیز از مغالطه و فریبکاری" حتی در مسیر درست و حق است. از امتیازات دیگر

اخلاق‌مندی علمی "احترام‌گذاری به مخالفان" است. مشهور است که سفیان ثوری که در منابع اهل تسنن به زهد و علم شهرت دارد، همراه با نصیربن کثیر نزد امام زانوی ادب می‌زدند و بیش از هر چیز مجذوب و خوشه‌چین اخلاق و سپس علم از آن محضر بودند. (جعفریان، ۱۳۸۷: ۳۲۹) احترام ویژه‌ی امام به مالک‌بن انس و رعایت آداب در برخورد حتی با زناحقه‌ای چون ابن مقفع و ابن ابی العوجاء از آن جمله است. ابن ابی العوجاء به مفضل بن عمرو در خصوص همین اخلاق‌مندی امام تذکر داده و وی را به عدم رعایت اخلاق علمی طعن می‌زند. (پیشوایی، ۱۳۸۴: ۳۵۸) ابن مقفع در میان سیل انسان‌های مُحَرَّم در حال طواف تنها امام را به جهت پارسایی، اخلاق‌مندی و دانش می‌ستاید. (کلبی، بی‌تا: ۹۵/۱) نکته سوم در اخلاق‌مندی علمی امام "حفظ جایگاه و تکریم عالمان" است. نمونه‌ی بارز این برخورد را در مواجهه امام با مالک‌بن انس و هشام‌بن حکم می‌بینیم. یکی در مقام رقیب و یکی در مقام شاگرد همین نهضت: امام در مجالست با مالک، وی را در جای خویش می‌نشانند و تکریم می‌کنند.

مدتی نزد جعفر بن محمد [علیه‌السلام] بودم و ایشان همواره خوش‌رو و خوش‌برخورد بودند و ... ایشان از جمله علماء زاهدی هستند که در مقابل خداوند خاشع‌اند. هرگز به خدمت او شرفیات نشدم جز اینکه زیراندازش را از زیر پای خویش برداشته و زیر پای من قرار می‌داد. (جعفریان، ۱۳۸۷: ۳۲۷)

همچنین در مجلس دیگری که [ظاهراً] به تازگی هشام به اصحاب معرفی می‌شود؛ امام وی را که جوان و کم‌شهرت است، ولی دارای موقفیت علمی و کلامی شده را در کنار خویش جای داده و وی را در آن جمع مورد محبت و لطف خویش قرار می‌دهند. [مفید، بی‌تا: ۱۸۹] نکته آخری که در اخلاق‌مندی علمی امام به چشم می‌آید توجه ایشان به حفظ "حُرمت و امانت جلسات علمی" است. اینکه سخنان و سخن‌راندن در این جلسات هر چقدر هم نادرست و شاذ باشد، ولی به سبب حفظ حرمت آن جلسات می‌باید گویندگان در پرسش و اظهارنظر آزاد و ایمن از تعقیب و برخورد باشند. در این بخش و به عنوان حُسن ختام، نقل عیسی بن یونس در برخورد امام با ابن ابی العوجاء را می‌آوریم:

ابن ابی العوجاء در حالیکه سرکش و منکر حقایق و معارف دینی بود، به قصد انکار دین وارد مکه شد. اندیشمندان فرق با علم به نیت پلید و بدزبانی وی از همنشینی با وی خودداری می‌کردند. روزی وی در میان جماعتی در طرفدارانش به مجلس امام صادق (علیه‌السلام) درآمد؛ گفت: ای ابا عبدالله، همانا مجالس "حکم امانت" را دارد و هر که پرسشی دارد باید بگوید؛ به من اجازه‌ی سخن می‌دهی؟ امام فرمودند: سخنانت را بگو! (طبرسی، ۱۳۸۱: ۱۹۸)

۲-۵- آزاداندیشی و اجتهاد:

حیات و پویایی یک نهضت علمی در گرو تحقیق و تألیف مدام است؛ و لازمه‌ی دستیابی به تحقیق و تألیف [نوین] طرح پرسش‌های متهورانه، تنوع نظریات رقیبانه و استماع دقیق آنها است. هر دو مطلب گفته شده زیر چتر آزاداندیشی و تجویز اجتهاد رخ می‌دهد. بیشتر در برخورد اخلاقی امام نمونه‌ای از تحمل و برخورد امام

Commented [mV1]: نکاتی که در این متن آمده است هر کدام یک ادعای کوچک است و نیازمند شواهد که البته نگارنده به جهت اختصار آنها را در کنار هم و حداکثر با یک یا دو قرینه آورده است!!
با این حال بهتر می‌بود که این ادعاها تفکیک یافته، توضیح داده می‌شدند و شواهد آنها شمرده و نتیجه گرفته می‌شد. // خصوصاً که حجم مقاله نیز فعلاً این اجازه را به ما میدهد.

Commented [mV7]: کاربرد قلاب: در جایی که توضیح اضافی به متن دیگری یا خود اضافه می‌کنیم

Commented [mV8]: کاربرد پرانتز: یا کمانک: گذاشتن سال نماها یا ارجاع دهی و یا افزودن توضیحات بیشتر

Commented [mV9]: به نظر شما جمله آغازین این عبارت چیست؟ آیا ما میخواهیم درباره ی حیات و پویایی یک نهضت علمی بحث کنیم؟ و یا آنکه میخواهیم بگوییم در نهضت علمی امام تحقیق و تألیف مدام (عبارت آخری آزاداندیشی و اجتهاد) وجود داشته است؟

اگر دومی مقصود ماست که هست! جمله آغازین اینجا نادرست تدارک شده است!

با آزاداندیشی را در مواجهه با/بن/بی العوجاء بیان کردیم. اظهارنظرهایی که سایرین از اصحاب و اندیشمندان فرّق و ملل درباره‌ی امام داشته‌اند نیز، علاوه بر نمایاندن اخلاق علمی امام گویای همین پذیرش آزاداندیشی از جانب امام و نهضت ایشان است. مزیتی که در نظر مستشرقان مزیتی بی‌سابقه در میان عالم اسلام و بل در میان سایر مکاتب و نهضت‌های علمی بوده است. (منصوری، ۱۳۸۸: ۱۱۶-۱۱۷ و به عنوان نمونه ر.ک: طبرسی، ۱۳۸۱: ۱۸۷-۲۰۲) این دو امتیاز [اجازه پرسشگری و آزاداندیشی، و تجویز اجتهاد و نظریه‌پردازی] که در ادامه توضیح چگونگی آنرا خواهیم داد، در طول تاریخ این امکان را فراهم کرد تا خلاقیت و شجاعت اندیشمندان در مواجهه‌ی ارباب رأی و نظر رقم بخورد و پویایی نهضت در سایه انعطاف تفاسیر و تبیین‌های اندیشه‌ای میسر شود.

منظور از "آزاداندیشی"، تحمل شنیدن سخنان و نظریات طرف‌های رقیب و گاه نقدهایی است که ایشان بر آراء ما دارند؛ [و نه به اشتباه نظریه‌پردازی‌ها یا بازدفاعی که یکسره از آراء همیشگی مان صورت پذیرد را کرسی آزاداندیشی بدانیم؛ طنزی که گاه در جامعه امروز ما تحت این لواء انجام می‌گیرد]. نهضت صادقین (علیهم‌السلام) مملو از رویارویی و تحمل آراء و نقدهای رقیبان است. امام در مواجهه با آراء و جبهه مقابل با آرامش نسبت به استماع و نقد مناسب رقیبان اقدام می‌کردند. امام در ماجرای مواجهه با/بن/بی العوجاء به وی اجازه و امان بازگویی آراء و افکارش را می‌دهند. در تاریخ سراغ نداریم که کسی در این رویارویی اندیشه‌ای بر امام پیروز شده باشد و البته بنابر اعتقاد مذهبی چنین انتظاری نیز نداریم؛ لکن نکته مهم آن است که امام به اصحاب خویش نیز می‌آموزانند که چنین باشند، با آنکه شکست ایشان در مناظرات و تقابل با اندیشه‌های رقیبان ممکن و واقع نیز بود، اما امام این شکست و ناکامی در برابر رقیبان را به معنای ناتوانی و یأس از مکتب نمی‌دانستند؛ و به هیچ روی اجازه‌ی فرار از میدان مواجهه، بی‌اخلاقی و بی‌مسئولیتی را نیز به اصحاب نمی‌دادند؛ بلکه توصیه امام اولاً افزون ساختن تلاش و همت و مهارت اصحاب و ثانیاً توسل و استمداد از امام زمانشان بود.

محمور دوم مباحث این بخش را "اجتهاد" و نظریه‌پردازی نامیدیم. فارغ از ارزش‌گذاری و معناشناسی واژه‌ی "اجتهاد"، از آن این معنا را اراده می‌کنیم: (۱) کشف مدعیات دین بر پایه‌ی متن و نه تفسیرهای اندیشمندان و (۲) تبیین و دفاع علمی، فلسفی، کلامی از آموزه‌های دین بر اساس شواهد کافی و در چارچوب و حدود تعیین شده. دستکم این معنا مورد نظر امام بود و ایشان اصحاب را بر این اقدام تشویق نموده و در موارد دستیابی ایشان به یک تبیین یا دفاع خوب ایشان را تمجید می‌کردند. با تمام این احوال امکان خطا و اشتباه در اجتهاد اصحاب وجود می‌داشت؛ و لکن اولاً امامیه مکتب "مخطئه" است و ثانیاً ائمه اطهار (علیهم‌السلام) در موارد مقتضی دخالت نموده و اجتهادهای به کلی غلط و خطرناک را می‌زدودند. *ابان بن تغلب* که توسط امام باقر (علیه‌السلام) مفتخر به اجازه افتاء است، در فتوای دیه به اشتباه افتاد و امام آن را تصحیح کردند. (نجاشی، ۱۴۲۷: ۱۰) هشام بن حکم هم که در کلام دست‌پرورده‌ی امام صادق (علیه‌السلام) است و توانست اجتهادهای کلامی متعدد و

Commented [m۸۰]: گاهی نگارنده جهت ارائه شواهد بیشتر و با مطالعه در باب آن موضوع ما را به منبع و متن دیگری حواله می‌دهد و از عبارت **ر.ک** یعنی رجوع کنید! استفاده میکند.

Commented [m۸۱]: وجه نیکوی تنظیم مباحث این بخش: در بخش‌های پیشین ما معمولاً با یک ترکیب تک پاراگرافی روبرو بودیم که در همان تمام ادعا بسط داده شده و اثبات و نتیجه‌گیری میشد؛ اما در بخش حاضر مباحث قدری مفصل‌تر است و در قالب یک پاراگراف جمع نشده و لذا بهتر بود این بخش به این گونه تنظیم میشد:

۱. عبارت اول بعد از عنوان بدون تورفتگی: معرفی مباحث این بخش (مادامیکه بدون تورفتگی عبارت را مینویسیم یعنی آنکه پاراگراف با آن تعریفی که گذشت موردنظرمان نیست!)
۲. پاراگراف اول در تعریف و توضیح ضرورت آزاداندیشی و اجتهاد!
۳. پاراگراف دوم و سوم در اثبات وجود آزاداندیشی و اجتهاد در نهضت امام؛
۴. پاراگراف چهارم در نتیجه‌گیری مباحث این بخش!

Commented [m۸۲]: این ارجاع کفایت از همه دلیل را نمیدهد!!
مورد فتوای غلط ابان در فهرست/رجال نجاشی نیامده است!

مَرْضِي را در "مسئله امامت و عصمت و" ارائه دهد، در تبیین توحید دچار لغزش شد و لکن امام آن لغزش را در جمع نسل شاگردان هشام گوشزد و پیراستند.

۲-۶- عقلانیت و اعتدال:

برای هر فعالیت تشکیلاتی وجود معیار و میزان ضرورت می‌یابد. از آن رو که همگان با تنوع سلاقی و روحیات بتوانند چه به صورت معمول و چه به هنگام بروز اختلافات حدود و حقوق خویش را بازشناخته و از تجاوز و عدول درگذرند. در جریان‌های دینی معمولاً این متون و یا پیشوایان دین هستند که فصل‌الخطاب به حساب می‌آیند. اما امام در آن دوره به "عقلانیت" بهاء ویژه بخشیدند و آن‌را مورد توجه قرار دادند. ایشان اصحاب و شاگردان خویش را به پرسش، تفکر و سنجش عقلانی مدعیات یا تفاسیر دینی دعوت می‌کردند. این معنای عقلانیت الزاماً به نقش "عقل" در فهم و کشف حقایق هستی و عالم اشاره ندارد؛ بسا در فرازهایی امام به محدودیت عقول در شناخت خدا و بسیاری از حقایق و رخدادهای عالم نیز هشدار می‌دهند. بنابراین معنای عقلانیت موردنظر، همان قدرت سنجش و داوری "عقل" است که مادام مواجهه با مدعیات یا تفاسیر دینی تلاش می‌کند آن‌ها را فهمیده، ارزیابی و نقد کند. در مواردی "عقل" پرسش‌های جدیدی را مطرح می‌سازد، گاه ادعا را با دیده‌ی تردید و انکار می‌نگرد و گاهی به محکمی آن‌ها را تأیید کند. این عقل همان حجتی است که در نهاد هر انسان وجود دارد و وظیفه‌اش فهم و بررسی حجت بیرونی یعنی دین، نبی و متون دینی است. (کلینی، بی‌تا: ۱۱۱-۳۳)

اهمیت عقلانیت و خردورزی نزد امام به گونه‌ای بود که امام تاب و تحمل نقصان‌های عقل انسان‌های مختلف را پذیرفته و این مهم را به تعبد محض و پیروی کورکورانه ترجیح می‌دادند. در مواردی اصحاب، سخن امام را نقد و نقض می‌کردند؛ در بحث زیادروی کرده و نسبت به پذیرش ادعای امام تردید می‌کردند؛ ولی امام با حوصله و مباحثه به تبیین دیدگاه خویش ادامه می‌دادند. نمونه‌ی جالب توجهی از برخورد امام باقر (علیه‌السلام) با اصحاب خویش را در روایت زیر مشاهده می‌کنیم:

زراره نقل می‌کند که به همراه حمران و بکیر نزد امام رفتم و در باب ملائک رستگاری و لزوم شیعه راستین بودن برای ورود به بهشت با امام بحث کردیم. امام ما را به آیات درباره مستضعفان و رحمت واسعه الاهی توجه دادند. [گو آنکه می‌خواستند بگویند رحمت خدا در مورد مستضعفان فکری و ضالین جاری است و الزاماً ایشان جهنمی نمی‌شوند] لکن این مباحثه و استدلال برای اصحاب چندان متبوع نبود و ایشان در بحث چنان پیش می‌رفتند که صدای بگو مگویشان تا بیرون از خانه شنیده می‌شد (کلینی، بی‌تا، ۳۸۲/۲).^۱

Commented [m۸۲]: ترجمه صورت گرفته ترجمه آزاد است و نیاز به باورقی یا بی نوشت متن اصلی دارد که البته در اینجا آمده است.

^۱ عَلِيُّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ زُرَّارَةَ قَالَ: دَخَلْتُ أَنَا وَ حَمْرَانَ أَوْ أَنَا وَ بَكِيرٍ عَلَى أَبِي جَعْفَرٍ قَالَ قُلْتُ لَهُ إِنَّا نَعُدُّ الْمُظْمَرِ قَالَ وَ مَا الْمُظْمَرُ قُلْتُ التُّرُّ، فَمَنْ وَأَقْتْنَا مِنْ عَلَوَى أَوْ غَيْرِهِ تَوَلَّيْنَاهُ وَ مَنْ خَالَفْنَا مِنْ عَلَوَى أَوْ غَيْرِهِ بَرَّئْنَا مِنْهُ فَقَالَ لِي يَا زُرَّارَةُ قَوْلَ اللَّهِ أَصْدَقُ مِنْ قَوْلِكَ فَأَيْنَ الَّذِينَ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ - إِنَّا الْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَ النِّسَاءِ وَ الْوَلَدَانَ لَا يَسْتَطِيعُونَ حِيلَةً وَ لَا يَهْتَدُونَ سَبِيلًا أَيْنَ الْمَرْجُونَ لِأَمْرِ اللَّهِ أَيْنَ الَّذِينَ

در این روایت و موارد مشابه می‌بینیم که سعی امام علاوه بر آموزش اصحاب، آن است که واقعاً ایشان در عمل، خردورز باشند و "عقلانیت" را در خویش نهادینه کنند؛ و چنانچه خواهیم گفت عالمانه و مجتهدانه نظریه‌ی دینی را دفاع یا تبیین کنند.

Commented [m۸۴]: کاربرد **نقطه ویرگول**: گاهی جملات علی‌رغم معنا مستقل و تمامی که دارند در پیوستگی با جمله بعدی خویش هستند، در اینجا به جای نقطه از نقطه ویرگول استفاده میکنیم.

"اعتدال" در فرهنگ امام در مقابل دو جریان و دو اندیشه قصور و غلو معنا پیدا می‌کند. همواره بوده‌اند در مذهب امامیه کسانی که درباره‌ی مدعیات دینی یکی از این دو راه را پیموده‌اند: گروهی مدعی دین را به لطائف الحیلی مشکوک و مردود شمرده و گروهی بر آن مدعیات، ذوقیات و تخیلات خویش را نیز افزوده‌اند. در موضوع توحید و خصوصاً در موضوع امامت این از هم گسستگی عیان‌تر است؛ ولی محدود به آن دو بحث نیست. در چنین ماجراهایی امام سخن اعتدال و میانه‌روی به میان می‌آورند. مقصودشان نیز این است که: اولاً شما به یکی از دو طرف نلغزید، مثلاً اگر و فی الواقع با مدعیاتی از دین روبرو شدید که در فهم و تأیید آن دچار تردید هستید و البته استدلال محکم و متیقنی برای انکار ندارید، دستکم سکوت کرده و جانب احتیاط اخذ کنید؛ همچنین اگر مدعیات دین به طبع‌تان خوش آمد مواظبت کنید که بر آن نیفزاید و مرز سلیقه‌ی خویش را با متن دین حفظ کنید. ثانیاً در مواجهه با دو جریان غلو و قصور، با ایشان مهربان و دوستانه به دنبال مباحثه‌ی عالمانه و اخلاق‌مندانانه باشید. (کلتی، بی‌تا: ۷۵/۲) این رویه در مورد اهل قصور و تقصیر همیشگی است و لکن در مواجهه با غالیان گاه به طرد، انکار و لعن ایشان تغییر جهت می‌دهد. این غیظ بی‌نظیر امام در مواجهه با غالیان بسیار درس آموز است و حکایت از موارد مختلف دارد: ضربه‌ی ایشان به امنیت نهضت، سستی و رخوت اندیشه‌های غالیانه در جریان نهضت، درهم آمیختگی مسائل دینی در حوزه‌ی اندیشه و شریعت و زمینه‌سازی برای وهن مذهب، رواج اتهام‌زنی، تکفیر و دوری از خردورزی و مواردی از این دست، از جمله پیامدهای اندیشه‌ی غالیانه است؛ که امام نسبت به آن هشدار و برائت می‌جویند.

حاصل مطلب آنکه در نهضت امام ملاک و معیار فعالیت [پیشرفت و ابقاء در جایگاه‌های علمی و فرهنگی] بیش از هر چیز وابسته به همین رعایت عقلانیت و اعتدال است. آنهم به همان معنایی که گفتیم. تا مادامیکه کسی دست از خردمندی و انصاف بر نمی‌داشت و یا به غلو نمی‌غلطید، هر چند دارای اشتباه و خطای عملی یا فکری می‌بود، امام او را در نهضت علمی خویش نگه می‌داشتند. البته تذکر امام به خطا و تصحیح آن در جای خود صورت می‌گرفت؛ ولی این معنای طرد و اخراج نبود. برخورد امامان کاظم و رضا (علیهما السلام) با فعالان نهضت علمی هر چند به خطا رفته باشند نیز گواه همین تأیید است. برخورد با عمار سبابلی، یا طرد نظریه "تجسم" هشام بن حکم و نظریه "صورت" هشام بن سالم، تأیید پیروی از یونس بن عبدالرحمن [علیرغم تبعیت و شاگردی وی از هشام] و نظائر آن از جمله موارد این تأیید کلی و تمیز بین خطا و خدمت عالمانه و فرهنگی اصحاب است.

Commented [m۸۵]: پاراگراف نتیجه گیری! در جایی که ما برای بحث در یک بخش از چند پاراگراف استفاده کرده ایم، این پاراگراف نتیجه است که تکلیف مباحث آن بخش را تعیین میکند!

Commented [m۸۶]: هیچیک از موارد نقل شده ارجاع و استناد نیافته اندددد#

خَطُّوا عَمَلًا صَالِحًا وَ آخِرَ سَبِيلًا أَيْنَ أَصْحَابِ الْأَعْرَافِ أَيْنَ الْمُؤَلَّفَةِ قُلُوبِهِمْ. وَ زَادَ حَمَادٌ فِي الْحَدِيثِ قَالَ: فَارْتَقِ صَوْتُ أَبِي جَعْفَرٍ ع وَ صَوْتِي حَتَّى كَأَنَّ يَسْمَعُهُ مِنْ عَلِيٍّ بَابِ الدَّارِ. وَ زَادَ فِيهِ جَمِيلٌ عَنْ زُرَّارَةَ فَلَمَّا كَثُرَ الْكَلَامُ بَيْنِي وَ بَيْنَهُ قَالَ لِي يَا زُرَّارَةُ حَقًّا عَلَى اللَّهِ أَنْ لَا يَدْخُلَ الضَّلَالُ الْجَنَّةَ.

۲-۷- کتابت و حفظ میراث علمی:

کتابت لازمه‌ی ماندگاری و تأثیرگذاری در تاریخ است. (ر.ک: مجلسی، بی تا: ۸۱/۳) امروز شاهد آن هستیم که آنچه باعث ماندگار و تأثیرگذاری حکمت و اندیشه‌ی تمدن یونانی به نسبت تمدن پارس، هند و ... شده است، همین نگارش و نگه‌داشت نگاشته‌ها است. از فرصت‌هایی که در هنگامه‌ی نهضت علمی صادقین (علیهم‌السلام) پیش آمد و شاید به بسترسازی برای نهضت کمک کرد، رفع "ممنوعیت کتابت" بود. هر چند عالمان شیعی چون نجاشی و دیگران شواهدی از نقض حکم "ممنوعیت کتابت" در میان شیعیان می‌آورند؛ ولی به هر حال این کتابت کم تعداد و محدود تا پیش از نهضت علمی امام، طبیعتاً با مشکلات انتقال و اعتبار همراه می‌شد. (نجاشی، ۱۴۲۷: ۶) لذا در زمان امام نهایت استفاده از این فرصت انجام گرفت. امام در بیان‌های مفصل و مکرر، ضمن تبیین [بیان ضرورت] نگارش علمی، اصحاب و اندیشمندان نهضت خویش را به کتابت تشویق و بلکه وامی‌داشتند. (کلینی، بی تا: ۶۶/۱-۶۷)

نگارش آثار در دوره‌ی امام و نهضت علمی ایشان به وفور، متنوع و متعدد بود. اگرچه نگاشت کتاب توسط شخص امام در حاله‌ای از ابهام، و نگاشت رساله و نامه‌ها توسط ایشان اندک باشد؛ ولی شاگردان امام انباشت بی‌بدیلی از سخنان ایشان را به رشته تحریر درآورده و در متون جای دادند. علماء امامیه نیز همواره بر فراوانی بی‌مثال احادیث مضبوط از امام اقرار داشته‌اند. (حلی، بی تا: ۸۸ و اربلی، ۱۳۸۱: ۱۶۶) بنابر ضبط نجاشی (۴۵۰) بیش از ۳۵۰ مؤلف در میان اصحاب امام وجود داشتند که حجم کتب نگاشته ایشان بالغ بر چند هزار کتاب و رساله شده است. تنوع این آثار نیز در نوع خود جالب توجه است. از آثار حدیثی که با عنوان اصل در این دوران تهیه می‌شد گرفته تا کتبی که با بهره‌برداری از احادیث در موضوعات اندیشه‌ای، فلسفی، کلامی، فقهی، اخلاقی، آداب، ادبیات و لغت، تاریخ و حتی علوم چون: نجوم، شیمی، مکانیک و مواردی از این دست توسط اصحاب نگاشته می‌شد. نقش علمی و تنوع آثار حوزه‌ی علم منسوب به جابر بن حیان، آثار مؤثر کلامی و فلسفی هشام بن حکم از جمله موارد شایسته یادآوری و جذاب برای پژوهشگران بوده است. ما در اینجا به عنوان یک نمونه‌ی پرمایه، جذاب و معتمد تنها به نام بردن آثار هشام بن حکم بر اساس فهرست نجاشی اقدام می‌کنیم. نجاشی نزدیک به سی عنوان کتاب را برای هشام فهرست می‌کند. اکثر این کتب کلامی است.

کتابه علل التحريم، کتابه الفرائض، کتابه الإمامة، کتابه الدلالة علی حدث الأجسام، کتابه الرد علی الزنادقة، کتابه الرد علی أصحاب الإثنین [ثنویت و دوگانه پنداران در باب خدا خیر و شر]، کتابه التوحید، کتابه الرد علی هشام الجوالیقی [هشام جوالقی از اصحاب ثقه و از جمله معاصران هشام بن حکم است]، کتابه الرد

Commented [mAV]: در اینجا با بسط یک استدلال روبرو هستیم.

در مباحث میتوان یک یا حتی تمام شواهد یک ادعا را بسط داد و در این هنگام بسا میشود این استدلال ها را در پاراگراف های جداگانه و مستقل نیز آورد. تا برای خواننده نیز روان و خوش خوان تر باشد. دلیل این بسط دادگی در اینجا جبران شواهد و استدلال های کلی است.

علی أصحاب الطبايع، كتابه الشيخ والگلام فی التوحيد، كتابه التدبير فی الإمامة [کتابی که از تدریس هشام و توسط شاگردش علی بن منصور جمع آوری شده است]، كتابه الميزان، كتابه فی إمامة المفضول، كتابه الوصية و الرد علی منکرها، كتابه الميدان، كتاب اختلاف الناس فی الإمامة، كتابه الجبر و القدر، كتابه الحکمين، كتابه الرد علی المعتزلة و طلحة و الزبير [منظور معتزله سیاسی است]، كتابه القدر، كتابه الألفاظ، كتابه الاستطاعة، كتابه المعرفة [که به نظر می‌رسد بخشی از احادیث و سخنان آن به کتاب العقل کافی راه یافته است]، كتابه الثمانية أبواب، كتابه علی شیطان الطاق [منظور همان مؤمن الطاق صحابی امام و معاصر هشام است]، كتابه الأخبار، كتابه الرد علی المعتزلة [منظور معتزله کلامی است]، كتابه الرد علی أرسطاليس فی التوحيد [ارسطو فیلسوف یونانی]، كتابه المجالس فی التوحيد، كتابه المجالس فی الإمامة. (نجاشی، ۱۴۲۷: ۴۳۲)

فهرست بالا به خوبی تعدد و تنوع آثار در نهضت علمی امام را نشان می‌دهد. علاوه بر تعدد و تنوع آثار، این فهرست حکایت از مسائل دیگری نیز دارد: شیوه‌ی تعامل علمی اصحاب با یکدیگر در رده‌های هشام بر جوالیقی و مؤمن الطاق یا آشنایی هشام و اصحاب با آراء بیرون از تمدن اسلامی نظیر ارسطو و اصحاب طبايع، تفاوت بین اثر تألیف یافته و تدوین شده در مورد کتاب التدبير، توجه به نگارش استعاری در کتاب "شیخ و غلام" که از آن به "گفتارهای پیر و جوان در باب خداشناسی" ترجمه می‌کنیم و گویای سبک مکالمه و به اصطلاح دیالکتیکی در نگارش است. لکن افسوس که از این انبوه آثار تنها پاره‌هایی پراکنده به اندازه‌ی یک کتاب حدود صد صفحه‌ای باقی نمانده است.

۲-۸- رشد و بسط نهضت:

بسط نهضت علمی به سطح جامعه به قصد گسترش مذهب و آگاهی بخشی و تربیت جامعه از یک سو و توسعه نظام آموزشی نهضت به قصد بقاء و تعالی آن نیازمند اقدامات توسعه‌ای بود. **اولین** اقدام در این راستا قرار دادن پایگاه اصلی نهضت در کوفه بود. با آنکه امام در مدینه سکنی داشتند و مجالس درس ایشان در مدینه و حجاز برپا می‌شد، ولی پایگاه اصلی و فعال "کوفه" بود. کوفه در میانه‌ی سرزمین‌های اسلامی و در نزدیکی با ایران و شام قرار داشت؛ همین امر باعث می‌شد تا علاقمندان علم از آن سرزمین‌ها بهتر از هر جا در کوفه جای گرفته و تعلیم ببینند. انبوه شاگردان امام در کوفه سکنی و مجلس درس داشتند؛ کتابخانه‌های امامیه و مجالس علمی در مساجد مختلف این شهر تشکیل می‌شد؛ شخص امام دستکم دو سفر به عراق و کوفه داشتند و از نزدیک شاهد فعالیت‌های علمی اصحاب بودند. همواره کاروان‌های کوفیان نیز به مدینه رهسپار شده و نیازهای راهبردی و اندیشه‌ای خویش را از امام باز می‌جستند. اقدام **دوم** در جهت بسط نهضت، توصیه‌های عمومی امام به شاگردانشان بود. املاء و نگارش کتاب، تحدیث و بازگویی احادیث، برپایی مجالس عمومی حدیث، تربیت شاگردان اختصاصی و تنظیم سامانه انتقال حدیث از جمله‌ی دیگر امور توسعه‌ای بود. (خرانی، ۱۴۲۵: ۳۶۴ و کلینی، بی‌تا: ۶۷/۱) اقدام **سوم** زمینه‌سازی برای ایجاد مدارس علمی کوچکتر خصوصاً در مرو، ری، قم، همدان و اهواز که به نظر می‌رسد از همان دوران آغاز شد و در یک قرن بعد رفته رفته به ظهور و شکوفایی رسید. اقدام **چهارم**

در جهت گسترش نهضت همان شاگردپروری ویژه‌ی امام و اجازه اجتهاد به اصحاب می‌بود که همچون خون تازه در رگ‌های نهضت باز می‌جوشید. در این اجازه امام از اصحاب خویش حمایت می‌کردند و مردم را به تقبل حکمیت و فتوای ایشان توصیه می‌نمودند. (نجاشی، ۱۴۲۷: ۱۰ و عاملی، ۱۴۱۴: ۱۰۴/۱ و ۱۰۳/۱۸-۱۰۵)

جمع بندی:

آنچه گذشت گزارش کوتاه و منتخب از مطالعه در ابعاد نهضت علمی امام صادق (علیه‌السلام) بود. قطعاً مطالعه در این باب نیازمند وقت و دقت چند برابر است. با این حال در این مختصر مشاهده کردیم که نهضت علمی امام در طول نیم قرن توانست با استفاده از فرصت پیش آمده چه اقدامات مفید و مؤثری را انجام دهد. پذیرش شاگردان متنوع و با کمترین محدودیت و شرایط بود. این شاگردان از ملیت، گاه مذهب متفاوت به درس امام در مدینه می‌آمدند. آمار ایشان را تا چهار هزار نفر شاگرد مستقیم تخمین زده و نام بیش از ۳۲۰۰ نفر ایشان به طور قطع در منابع موجود ثبت و در دسترس است. مکان تدریس امام در مدینه و عمده‌ی پایگاه علمی ایشان در کوفه بود. با این حال سفره درس امام در هر مکان و موقعیت گسترده می‌شد. آزاداندیشی و استماع امن آراء مخالف، اجازه اجتهاد و نظریه‌پردازی و تفسیر دینی، رعایت اخلاق‌مندی علمی، توجه به معیار عقلانیت و اعتدال مشی در نهضت از جمله مهم‌ترین ویژگی‌های آن نهضت بود. تنوع رشته‌ها و موضوعات علمی، کتابت روشمند و تألیف هزاران کتاب در آن دوره، شاگردپروری و تعلیم مدام و از نزدیک شاگردان، مأموریت‌بخشی به شاگردان و حمایت از فعالیت ایشان در کنار اصلاح خطایا و انحرافات احتمالی از جمله دیگر ویژگی‌های نهضت امام بود.

پیشنهاد و البته آرزوی شخصی نگارنده آن است تا در فرصتی فراخ و مناسب مطالعات کمیته‌ی خویش را وسعت بخشیده و با تحقیقی مناسب‌تر در هر یک از ابعاد، شواهد بیشتر و مطالب مترکم‌تری را بیفزاید. تا همینجا نیز مطالب در خور دیگری در دست بود که به جهت اختصار و رعایت انسجام نسبی از بیان آن خودداری شد. پیشنهاد روش کار مطالعه منابع دست اولی چون منابع حدیثی و رجالی است به صورتی که مطالب بر مدار و هدف پژوهش بررسی و دسته‌بندی شود. به هر سو امید است این مختصر برای پژوهشگران پسین، ایده‌بخش و راه‌گشا باشد.

Commented [m۸۸]: معمولاً جمع بندی شامل:

۱. خلاصه و مرور مباحث

۲. نتایج بدست آمده

۳. ارائه پیشنهادها و تحقیق

میباشد. و بر همین اساس میتواند دستکم دو تا چندین پاراگراف را به خود اختصاص دهد.

Commented [m۸۹]: پیشنهاد مطالعه و تحقیق که میباید بر اساس

مطالعه صورت گرفته و در راستای تکامل آن باشد! امری واقعی و کاملاً

برآمده از مطالعه صورت گرفته و نه ذکر تخیلات یا آرزوهای کلی و خارج

از دسترس و یا بی ریب با مطالعه انجام گرفته

فهرست منابع:

۱. ابن خلدون، عبدالرحمن (۱۳۸۵). **مقدمه تاریخ**. ترجمه: محمد پروین گنابادی. تهران: انتشارات علمی فرهنگی.
۲. ابن شهر آشوب، محمد بن علی (۱۴۲۵). **معالم العلماء**. قم: مؤسسه نشر فقهی.
۳. ابن ندیم، محمد بن اسحاق (۱۳۸۱). **الفهرست**. ترجمه: محمدرضا تجدد. تهران: انتشارات اساطیر.
۴. احياسینی، غلام (۱۳۸۷). **شیعه پژوهی و شیعه پژوهان انگلیسی زبان**. قم: جامعه المصطفی العالمیه.
۵. اربلی، علی بن عیسی (۱۳۸۱). **کشف الغمه فی معرفه الائمه**. تحقیق: سیدهاشم رسولی. تبریز: بی جا.
۶. الویری، محسن (۱۳۸۱). **مطالعات اسلامی در غرب**. تهران: انتشارات سمت.
۷. پیشوایی، مهدی (۱۳۸۴). **سیره ی پیشوایان**. قم: مؤسسه امام صادق (ع).
۸. جعفریان، رسول (۱۳۸۷). **حیات فکری و سیاسی امامان شیعه (ع)**. قم: انتشارات انصاریان.
۹. حرانی، حسن ابن شعبه (۱۴۲۵). **تحف العقول**. تصحیح: علی اکبر غفاری. قم: نشر جامعه مدرسین.
۱۰. حیدر، اسد (۱۳۹۰). **الامام الصادق و المذاهب الاربعه**. ج ۱. بیروت: دارالکتب العربیه.
۱۱. سبحانی، جعفر (۱۴۱۸). **موسوعه طبقات الفقهاء**. ج ۴. قم: مؤسسه امام صادق (ع).
۱۲. شهرستانی، محمد (۱۳۶۴). **الملل و النحل**. تحقیق: محمدفتح الله بن بدران. قم: منشورات رضی.
۱۳. صدوق، شیخ محمد بن علی (۱۳۸۴). **الخصال**. ترجمه: صادق حسن زاده. تهران: انتشارات ارمغان طوبی.
۱۴. صدوق، شیخ محمد بن علی (۱۳۸۵). **علل الشرایع**. نجف: دارالاحیاء التراث العربی.
۱۵. طبرسی، احمد بن علی (۱۳۸۵). **الاحتجاج**. ترجمه: بهراد جعفری. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۱۶. طوسی، شیخ محمد بن حسن (۱۴۲۸). **رجال**. تحقیق: جواد قیومی اصفهانی. قم: مؤسسه نشر اسلامی.
۱۷. طوسی، شیخ محمد بن حسن (بی تا). **الفهرست**. تصحیح: علامه آل بحر العلوم. قم: منشورات رضی.
۱۸. عاملی، علامه سید محسن امین (۱۹۶۱). **اعیان الشیعه**. بیروت: مطبعه الانصاف.
۱۹. عاملی، شیخ حر (۱۴۱۴). **وسائل الشیعه**. قم: دارالحدیث.
۲۰. قمی، سعد بن عبدالله (۱۹۶۳). **المقالات و الفرق**. تحقیق: محمدجواد مشکور. تهران: نشر حیدری.
۲۱. کلینی، محمد بن یعقوب (بی تا). **الکافی**. ترجمه: سیدجواد مصطفوی. تهران: انتشارات علمیه اسلامی.
۲۲. گرجی، ابوالقاسم (۱۳۸۵). **تاریخ فقه و فقهاء**. تهران: انتشارات سمت.
۲۳. مجلسی، علامه محمد تقی (بی تا). **بحار الانوار**. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۲۴. مفید، محمد بن نعمان (بی تا). **الارشاد**. ترجمه و شرح: سیدهاشم رسولی محلاتی. تهران: انتشارات اسلامی.
۲۵. منصور، ذبیح الله (۱۳۸۸). **مغز متفکر جهان شیعه (امام جعفر صادق ع)**. ترجمه و اقتباس از کنگره ی شیعه شناسی مرکز مطالعات اسلامی استراسبورگ. تهران: نشر بدرقه جاویدان.
۲۶. نادری رارانی، نادرقلی (۱۳۷۸). **تاریخ مکه و مدینه**. اصفهان: انتشارات گلپهار.
۲۷. نجاشی، ابوالعباس احمد بن علی (۱۴۲۷). **رجال**. تحقیق: سید موسی شبیری زنجانی. قم: مؤسسه نشر اسلامی.
۲۸. نویختی، حسن بن موسی (۱۳۸۶). **فرق الشیعه**. ترجمه: محمدجواد مشکور. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.

Commented [m90]: در تنظیم فهرست منابع به نکات زیر توجه کنید:

۱. ترتیب الفبایی یا شروع فامیل/شهرت نگارنده بدون ذکر القاب
۲. موارد و ترتیب اطلاعات ارائه شده در هر مورد
۳. بولد کردن عناوین کتب یا کج نگاری آنها و ...
۴. شمارگذاری تعداد آثار

Commented [m91]: این منبع و البته چند مورد دیگر در هیچ جای مقاله مورد ارجاع نبوده اند و لذا آوردن آنها در فهرست منابع غلط است و حتی تا ممکن است فریبکاری نیز محسوب شود!

Commented [m92]: بی تا «» «» «» سال نشر دارد!